



راسل کرو در گلابیاتور ۲ نیست

راسل کرو در دنباله‌ی فیلم «گلابیاتور» ساخت ریڈلی اسکات بازی نمی‌کند و گفته که از ساخت قسمت دوم این فیلم ناراحت است. این بازیگر برنده جایزه‌ی اسکار در جشنواره فیلم کارلسووی واری گفت: «آن‌ها باید برای مقدار سوالاتی که در مورد فیلمی که حتی در آن حضور ندارم از من پرسیده می‌شود، به من پول بدهند. من از این که آن‌ها دارند گلابیاتور جدیدی می‌سازند قدری ناراحت هستم، زیرا شخصیت من در فیلم مرده است و در مورد کاری که انجام می‌شود، حرفی ندارم، اما چیزهایی در مورد فیلم شنیده‌ام که باعث شده خودم بگویم که نه، این در سفر اخلاقی این شخصیت خاص نیست، اما من نمی‌توانم چیزی بگویم، اینجا جای من نیست من مرده‌ام؛ بنابراین باید ببینیم که فیلم چگونه خواهد بود». راسل کرو، در قسمت اول فیلم گلابیاتور که در سال ۲۰۰۰ ساخته شد، نقش ماکسیموس دسیموس مریدیوس را بازی کرده است.



نسرین محمدپور در جشنواره ریندنس

فیلم کوتاه نسرین محمدپور به نام بیست و یک هفته بعد، در جشنواره بین‌المللی فیلم ریندنس انگلیس حضور پیدا خواهد کرد. خبرگزاری مهر ضمن اعلام این خبر نوشت، این فیلم به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی نسرین محمدپور که جایزه‌ی بهترین فیلم کوتاه آسیایی را در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی بوسان کره جنوبی برده بود، اکنون در سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم ریندنس انگلیس حضور دارد. این جشنواره، بزرگترین جشنواره فیلم مستقل در بریتانیا است از ۳۰ خردادماه تا ۸ تیرماه برابر با ۱۹ تا ۲۸ ژوئن ۲۰۲۴ در لندن برگزار خواهد شد و مورد تأیید آکادمی اسکار، بفتا و جوایز هنرهای تصویری کانادا است. عرضه و پخش جهانی این فیلم برعهده‌ی شرکت هفت چشمه با مدیریت میلاد خسروی است. مدیر فیلمبرداری، بهروز بادروج، مدیر تولید، دیاکو خاکی و صدابردار این فیلم ایرج نوروزی است. بازیگران آن هم بنفشه ریاضی، لیلا حسین زاده، سودابه بهرامی نژاد و پریسا عسگری هستند.



بازی‌های گرسنگی جدید در راه است

پیش‌درآمد جدید از سری فیلم‌های بازی‌های گرسنگی براساس رمان بعدی سوزان کالینز در سال ۲۰۲۶ در سینماها اکران خواهد شد. پس از آنکه پیش‌درآمد پیشین این فیلم به نام تصنیف پرندگان آوازخوان و مارها به فروش ۳۳۷ میلیون دلار در باکس آفیس رسید؛ لاینزگیت، کمپانی سازنده این فیلم به کتایه گفت که علاقه‌مندان به فیلم شاید ممکن است آخرین پانم را ندیده باشند، دیدستوبایی که داستان در آنجا اتفاق می‌افتد؛ به این معنا که قرار است قسمت‌های جدید از این فیلم ساخته شود. آدام فوگلسون، رئیس گروه فیلم سینمایی استودیو، در آن زمان گفت: «این فیلم مجموعه‌ای از احتمالات بی‌پایان را باز کرد که سوزان می‌تواند برود و لاینزگیت می‌تواند با او همراه شود». بازی‌های گرسنگی سری فیلم‌های دیدستوبایی هستند که براساس رمان سوزان کالینز ساخته شده‌اند. اولین قسمت از این سری فیلم‌ها در سال ۲۰۱۲ اکران شد و رکورد باکس آفیس را شکست.



علمیسه نسایمیسایی

نگاهی به کتاب «دفعه بعد آتش»، اثر جیمز بالدوین



نازنین شاهسیاه پژوهشگر

برای درک سازوکار مکانیسم «تبعیض سیستماتیک» و دلالت‌های آن، «جیمز بالدوین»، رمان نویس، نمایشنامه‌نویس و مقاله‌نویس که جایگاه ویژه‌ای در میان چهره‌های ادبیات و تفکر اجتماعی آمریکایی دارد، شیوه مناسبی را در اختیار ما قرار می‌دهد؛ نوشتن.

در اواخر سال ۱۹۶۲ بالدوین دو مقاله در فاصله چند ماه منتشر می‌کند؛ یک نام با عنوان «دخمه لرزید: نامه به برادرزاده‌ام» و یک روایت از دوران نوجوانی خویش به نام «دفعه بعد آتش! نامه‌ای از منطقه‌ای در ذهن». این کتاب شامل دو مقاله با عنوان «دخمه لرزید» و «دفعه بعد آتش» است. هر دو مقاله در اواخر سال ۱۹۶۲ به ترتیب در مجله پروگرسیو و در مجله نیویورکر منتشر شدند. کتاب «دفعه بعد آتش» در زمستان ۱۴۰۱ به همت نشر چشمه با ترجمه امید مهرگان به چاپ رسید. این دو اثر تأثیر قابل توجهی بر جنبش‌های مدنی در دهه ۶۰ داشتند. پیچیدگی‌های گنگ مسائل اجتماعی در آن زمان نیازمند حمایت شادمانی برای نشان دادن نفوذ نژادپرستی در قبضه کردن زندگی بود و روایت زندگی شخصی، استراتژی مؤثری برای بر ملا کردن این کلاف سردرگم شد. با اینکه حرف‌های بالدوین در این مقاله برای روشنفکران سیاه تازگی نداشت، اما شکل ارائه آن برای معترضان، نو و روشنی‌بخش بود. کتاب، فقط صدای برابر برای خواهان نبود، بلکه به فهم درست معترضان سفید نسبت به خواست جنبش و زندگی‌های از دست‌رفته در پس آن، کمک کرد.

نامه به برادرزاده

مقاله اول نامه‌ای است که بالدوین به برادرزاده ۱۴ ساله اش، جیمز (هنام خودش) نوشته است. در این مقاله بالدوین توصیه‌ای به برادرزاده اش می‌کند و به او هشدار می‌دهد. بالدوین چشم‌اندازی از زندگی را برای جیمز تازه‌وارد (انسانی که به تازگی با په عرصه واقعیت می‌گذارد) ترسیم می‌کند که در آن معصومیت پاداشی ندارد، بلکه پیش‌فرض خطرناکی است که بی‌جهت انسان را در برابر توفان، خلع‌بید می‌کند و او ناآگاهانه بدل به دست‌اندرکار آشوب می‌شود. او برای رهایی از باورهایی که تحول تاریخی را سترون کرده، راه حلی را به جیمز نوجوان

پلیس امنیت، حفظ نظم این فضا و شناسایی حرکت‌های خارج از مرز است. در این وضعیت، زندگی و عبور و مرور روزمره نیز به‌نوعی محبوس شده است. این تقسیم‌بندی فضایی، عملکرد عقیده یا باور مبتنی بر پیش‌فرض را نشان می‌دهد («اینها» در زبان عامیانه ایالات متحده، به‌ویژه در ایالت‌های جنوبی، واژه‌ای کلی است برای اشاره به حکومت یا هر گروه صاحب اقتدار. این اصطلاح از میانه دهه ۱۹۵۰ به اسم رمزی برای اشاره نهانی به نیروی پلیس هم بدل شد).

راه‌حل جنبش‌های برابری خواه

در مقاله دوم، بالدوین مشاهده‌گر است. ما می‌توانیم از خلال مشاهده او آمریکایی را ببینیم که در اخبار روزانه مدام فراموش می‌شود و پنهان می‌ماند. او برای ترسیم فضای «تبعیض سیستماتیک» در آمریکا از نوعی ادراک بصری به شکل تصاویر استروبوسکوپ بهره می‌برد که مقطعی از یک الگوی حرکتی را نمایان می‌کند [Stroboscopic movement: حرکت استروبوسکوپی جلوه تداوم حرکتی است که از توالی تصاویری ساکن تحت شرایط بصری خاص پدید می‌آید. (رودلف آرنهایم ویژگی استروبوسکوپی را خصیصه اصلی ادراک بصری حرکت می‌داند (ادراک بصری، رودلف آرنهایم، ص ۴۶۶).]. الگویی که مابین رخدادها و وقایع شکل می‌گیرد. بالدوین به یک بافت درهم‌تنیده نور می‌افکند؛ با اینکه پیش‌روی چشم قرار دارد، ناپیدا است.

مقاله دوم را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ در بخش اول بالدوین ماجرای بزرگ‌شدن خویش را روایت می‌کند. در روایت او مرحله بلوغ مرحله مواجه‌شدن با زندگی واقعی و جان به در بردن از انواع تهدیدهای هلاک‌کننده است. مرحله بلوغ محصور در بیم‌ها و امیدهای توخالی و ناآگاهی از محدوده‌های ممنوعه است و محکوم به فرو ریختن نابینایی معصومانه‌ای به‌واسطه ترس. ترسی که باعث می‌شود در دخترها چیزی «هویدا» شود، ولی در پسرها چیزی «زنده» شود. او نحوه شکل‌گیری غیرمسئولانه انگیزه‌هایی را نشان می‌دهد تا منشأ و امکان تداوم ایده کهنه تبعیض را بیان کند و بگوید «چگونه همه ما در وضعیت امروز نقش داریم.»

بالدوین برای در امان بودن از تبااهی خیابان‌های هارلم در نوجوانی به کلیسا پناه می‌برد و در آنجا واعظ می‌شود. او می‌داند چطور می‌توان مردم را متقاعد کرد تا آخرین نذورات خود را به کلیسا بسپارند؛ می‌داند چطور جان‌ها را سرمست از حس رهایی و طهارت کند. او در آن زمان از رهایی و راحتی خود و سازوکار القای ایده زندگی سعادت‌مند آگاهی داشت، اما نمی‌توانست برای سال‌ها از خود بپرسد که «چرا راحتی بشری باید به شیوه‌ای همزمان چنین شرک‌آلود و چنین یأس‌آور حاصل شود». وقتی توانست آن را از خود بپرسد، توان آن را پیدا کرده بود که به چشم ببیند «اصول حاکم بر آیین‌ها و رسوم کلیساها عبارت بودند از: نابینایی، تنهایی و رعب!». در همین موقع بود که به ذهنش رسید: «تصویر خیالی‌ای که مردم از جهان آخرت در سر دارند، چیزی نیست مگر بازتابی آمیخته به برخی اعوجاج‌های آرزومندانه قابل پیش‌بینی از

معرفی کتاب

دفعه بعد آتش

نویسنده: جیمز بالدوین
مترجم: امید مهرگان
انتشارات: چشمه
قیمت: ۵۲۰ هزار تومان

در نگاه جیمز بالدوین «وضعیت موجود برهان قطعی است»؛ وضعیتی که سردرآوردن از آن برابر است با دنبال کردن مسیرها و راهروهای تا رسیدن به منبع و محل تقاطع آنها. منبعی که وجود دارد و به یک معنا، موقعیت عینی ما را ساخته است

توصیه می‌کند: «ما نمی‌توانیم آزاد باشیم، پیش از آنکه آنها آزاد شوند». (ص ۲۶) منظور بالدوین احتمالاً اشاره به نوعی تغییر در شکلی از رفتار است که به لحاظ تاریخی خاص باشد. مانند ادامه‌ندادن به یک روند تاریخی.

مقاله دوم به‌نوعی بسط ایده مقاله اول در قالب ناداستان است که در واقع روایت داستان زندگی خویش در گتوی هارلم است؛ جایی که سال‌ها رنج تبعیض و موانع زندگی و جرم و فساد با فیگوری به نام «پلیس امنیت» مگر می‌خورد و رهایی از این فشار فقط با تعدد کلیساها ممکن می‌شود. در این مقاله توضیح می‌دهد چگونه انگاره «اینها» (the man؛ مثل جمله «درافتادان با اینها») [در زبان عامیانه ایالات متحده، به‌ویژه در ایالت‌های جنوبی، واژه‌ای کلی است برای اشاره به حکومت یا هر گروه صاحب اقتدار. این اصطلاح از میانه دهه ۱۹۵۰ به اسم رمزی برای اشاره نهانی به نیروی پلیس هم بدل شده است. (از پانویس مترجم در کتاب)]. همچنین مناطقی به نام «گتو» [مناطقی که ساکنانش به‌خاطر هر نوع تفاوت برساخته‌ای، حق ادغام‌شدن با دیگر مردم «عادی» را ندارند و به شکل متناقضی، بی‌کشور تلقی می‌شوند]. امکان انواع مرزبندی‌های خودی/ناخودی (دیگری/ دشمن)، مال من/مال تو (امتياز)، را در این فضا فراهم کرده که مسیر حرکت انسان نوزاده‌ای را بنا بر رنگ پوست، از قبل محدود می‌کند؛ اولی به شکل زبانی/ذهنی و دومی، عینی و واقعی. هر نوع تعدی از این محدوده، نوعی برهم‌زدن نظم فضایی است. نقش

